

عاشورا و فرصت‌ها

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی مبینی*

اشاره

انسان مؤمن، زیرک است و از هر فرصتی برای پیش‌رفت امور ایمانی و معنوی خود استفاده می‌کند. یکی از فرصت‌هایی که باید غنیمت شمرد، ایام محرم و عاشورا است. در آیات و روایات، به ما سفارش شده که همواره خواسته‌ها و نیازهای مان را در پیشگاه خدا مطرح کنیم و این را از نشانه‌های بندگی و عبودیت انسان دانسته‌اند. در ایام محرم، فرصتی ناب برای توسل به اولیای خدا فراهم می‌آید و به تبع، هر انسان موحدی باید از این زمان برای دعا و توسل استفاده کند و بر خلاف دیدگاه وهابیت، این روش، یکی از راه‌های ابراز بندگی و اقرار به وحدانیت و ربوبیت خدا است.

اما نکته‌ای که گاهی مورد غفلت قرار می‌گیرد، این است که به ابعاد دیگر بندگی توجه نمی‌شود. وظیفه ما علاوه بر دعا و توسل، این است که برای رسیدن به

* عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

سعادت، تمام تلاش خود را انجام دهیم و این گونه نباشد که بدون هیچ گونه کوششی، منتظر دریافت کمک‌های الهی باشیم؛ چرا که خدای بزرگ، لطف و رحمتش را در قبال اعمالی که انجام می‌دهیم، به ما ارزانی می‌کند.

برای آن‌که به عمل روی آوریم، باید انگیزه و گرایش‌های معنوی خود را تقویت کنیم و عاشورا، یکی از فرصت‌های ارزشمند برای تقویت انگیزه و روی آوردن به عمل صالح است. نباید فقط انتظار یاری و کمک از سوی امام حسین علیه السلام و اولیای معصوم علیهم السلام را داشته باشیم؛ بلکه لازم است خود نیز به یاری آن عزیزان بشتابیم. یاری امام حسین علیه السلام در این زمان، به این است که برای تحقق اهداف مقدس آن امام شهید اقدام کنیم و از آن‌جا که هدف آن امام بزرگوار، اصلاح جامعه بوده، چنانچه هر کس برای اصلاح خود و جامعه خویش قدمی بردارد، به تحقق آن هدف، و در نتیجه به امام حسین علیه السلام یاری رسانده است.

چه نیکو است، در شب عاشورا همسو با عهد و پیمانی که اصحاب با وفای اباعبدالله علیه السلام با ایشان بستند، هر یک از ما نیز برای اصلاح خود، عهدی با آن امام بزرگوار بندیم و با عمل به عهد و پیمان‌مان، در صف یاران حقیقی سید الشهداء علیهم السلام و فرزند برومندش، حضرت مهدی علیه السلام قرار گیریم.

در این نوشتار، با راه‌کارهای استفاده از فرصت‌ها و زمینه‌های خودسازی، خاصه در ایام معنوی عاشورا، آشنا می‌شویم.

۱. زیرکی در ایمان

یکی از ویژگی‌های انسان‌های موفق در دنیا، زرننگ بودن آن‌ها است. وقتی می‌گوییم: «فلانی آدم زرننگی است»، مراد ما از «آدم زرننگ»، این است که او برای رسیدن به اهداف خود، از فرصت‌ها و موقعیت‌های زندگی، بهترین استفاده را می‌برد و هیچ فرصتی را به‌راحتی از دست نمی‌دهد. البته گاهی اوقات، از «زرننگی» معنایی منفی اراده می‌شود؛ یعنی انسان زرننگ، کسی است که با استفاده

از مکر و حيله و دروغ يا هر وسيله‌اي ديگر، سعی مي‌کند به هدف دنيايي و نفساني خود برسد؛ اما با کمی دقت مشخص مي‌شود که چنين افرادي را نمی‌توان به معنای واقعي زرننگ دانست؛ چرا که آن‌ها اولاً، از شأن والای انساني خود غافل شده‌اند و اهدافی پست و حقير را برگزیده‌اند و حال آن‌که هر انساني ظرفیت آن را دارد که به اهدافی بسيار بلند برسد. ثانياً، برای رسیدن به اهداف خود، از راه‌ها و وسايلي استفاده می‌کنند که ممکن است تنها خوشی‌های کوتاه‌مدتی را نصیب آن‌ها کند؛ آن‌هم به بهای از دست دادن سعادت و خوشبختی واقعي و گرفتاری به عذاب اخروی.

در نتیجه، اين افراد به هيچ وجه عاقلانه رفتار نمی‌کنند و کسی که بر خلاف عقلش رفتار نماید، فرد زرنگی محسوب نمی‌شود. اساساً در کتاب‌های لغوی، انسان زرننگ را به معنای انسان عاقل دانسته‌اند. در عربی، به انسان زرننگ، «کَيْس» گفته می‌شود و «کَيْس» را به عاقل معنا کرده‌اند. در لسان العرب، از قول ابوالعباس نقل شده است که «کَيْس»، به معنای عاقل است و «کَيْس»، ضد حماقت و به معنای عقل می‌باشد.^۱ در همان‌جا حدیثی از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل شده که ایشان فرمودند: «الکَيْسُ مَنْ دَانَ نَفْسَهُ وَ عَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ»^۲ انسان زرننگ، کسی است که نفس خود را رام و مهار کرده و برای بعد از مرگ عمل کند. و این، همان معنای عاقل بودن است.

بنابراین، زرنگی واقعي، مخصوص انسان‌های مؤمن است که آخرت را بر دنيا

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بيروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۲۰، ذیل واژه «کيس»: «ابو العباس: الكَيْسُ: العاقل، والكَيْسُ: خلاف الحُمق، والكَيْسُ: العقل.» همچنین: طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران: انتشارات مرتضوی، ۱۳۷۵ش، ج ۴، ص ۱۰۱، ذیل واژه «کيس»: «کَيْس» به معنای عاقل، و «کَيْس» به معنای عقل آمده است.

۲. همان.

ترجیح می‌دهند؛ چرا که امتیازهایی که در آخرت نصیب انسان می‌شود، بهتر و پایدارتر از منافع دنیوی است و انسان اگر زرنگ و عاقل باشد، همیشه چیزهای بهتر را ترجیح می‌دهد و برای رسیدن به آن‌ها تلاش می‌کند.

قرآن کریم می‌فرماید: «فَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَتَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»^۱ و آنچه به شما داده شده، متاع زندگی دنیا است و آنچه نزد خدا است، برای کسانی که ایمان آورده و بر پروردگار خود توکل می‌کنند، بهتر و پاینده‌تر است.»

امام صادق علیه السلام فرمود: «... إِنَّ الرَّجُلَ قَدْ يَكُونُ كَيِّسًا فِي الدُّنْيَا فَيَقَالُ مَا أَكَيْسَ فُلَانًا وَ إِنَّمَا الْكَيْسُ الْآخِرَةُ»^۲ گاهی انسان در دنیا زرنگ است و گفته می‌شود که فلانی چقدر زرنگ است و حال آن‌که زرنگ [به معنای واقعی آن،] زرنگ آخرتی است.»

اگرچه اصل ایمان آوردن به خدا، نشانه عاقل بودن انسان است، ولی باید توجه داشته باشیم که میان انسان‌های با ایمان نیز از نظر زرنگی و عقلانیت، تفاوت وجود دارد. برخی انسان‌های مؤمن، زرنگ‌تر و عاقل‌ترند و تلاش می‌کنند در راه کسب سعادت اخروی از دیگران سبقت بگیرند. اساساً یکی از ویژگی‌های مؤمنان این است که می‌کوشند در انجام کارهای نیک از یکدیگر پیشی بجویند؛ «أَوْلَيْكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ هُمْ لَهَا سَابِقُونَ»^۳ آن‌ها در کارهای خیر شتاب می‌ورزند و از دیگران سبقت می‌گیرند.» بدیهی است، آن دسته از مؤمنان که گوی سبقت را برابند و از دیگران پیشی بگیرند، زرنگ‌تر و زیرک‌تر می‌باشند.

۱. شوری، آیه ۳۶.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۵۵۷.

۳. مؤمنون، آیه ۶۱.

۲. استفاده از فرصت‌ها

چنان‌که گفتیم، نشانه انسان‌های زیرک این است که از فرصت‌ها بیشترین استفاده را می‌کنند و فرصت‌های ایجادشده را تباه نمی‌سازند. از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که فرموده: «إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا؛^۱ همانا در روزهای زندگی‌تان، نسیم‌هایی از سوی پروردگارتان می‌وزد. مواظب باشید که خود را در معرض آن نسیم‌ها قرار دهید.»

حضرت علی عَلِيٌّ در نهج البلاغه می‌فرماید: «... وَ الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَانْتَهِزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ؛^۲ فرصت، مانند ابر می‌گذرد. پس فرصت‌های نیک را غنیمت بشمارید.»

همچنین آن امام همام فرموده: «بَادِرِ الْفُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ غُصَّةً بَادِرِ الْبِرَّ فَإِنَّ أَعْمَالَ الْبِرِّ فُرْصَةٌ؛^۳ در استفاده از فرصت، عجله کنید؛ پیش از آن‌که غصه‌ای پیش آید. در انجام عمل خیر، بشتابید؛ زیرا اعمال خیر، فرصت‌هایی برای شما می‌باشند.»

و یا آن حضرت در بیانی دیگر، از دست دادن فرصت را موجب شدیدترین غصه‌ها می‌داند؛ «أَشَدُّ الْغُصَصِ قَوْتُ الْفُرْصِ؛^۴ شدیدترین غصه‌ها، از دست دادن فرصت‌ها است.»

یکی از فرصت‌های پیش رو برای افراد مؤمن، قرار گرفتن در زمان‌ها یا مکان‌هایی خاص است. برخی زمان‌ها و مکان‌ها، شرایط مساعدی را برای پیش‌برد اهداف آخرتی ما فراهم می‌آورند و افراد مؤمنی که عاقل و زرنگ باشند،

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۲۲۱.

۲. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه (للصبحی صالح)، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۴ق، ص ۴۷۱.

۳. نوری، حسین، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل البيت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۱۴۲.

۴. همان.

سعی می‌کنند بیشترین بهره را از آن‌ها نصیب خود کنند؛ برای مثال، حضور در مکان‌های مقدس، فرصت بسیار ارزشمندی را برای تقویت روحیات معنوی انسان فراهم می‌آورد و فردی که زرنگ باشد، تمام تلاشش را می‌کند که بیشترین استفاده را از چنین فرصتی ببرد؛ نمونه دیگر این‌که درک ماه مبارک رمضان، یک فرصت بسیار ارزشمند برای ساختن خود است و نباید از آن غفلت کرد. همچنین یکی از فرصت‌های طلایی برای ما مسلمانان، ایام عاشورا و حضور در مساجد و حسینیه‌ها و شرکت در دستجات عزاداری و هیأت‌های مذهبی است. بایسته است که از این فرصت، بهترین استفاده را ببریم.

۳. اهمیت دعا

توجه به جایگاه وجودی‌مان در نظام آفرینش، می‌تواند ما را در شناخت بهتر فرصت‌های پیش‌رو و چگونگی استفاده از آن‌ها یاری رساند. ویژگی اصلی انسان، مخلوق و عبد بودن او است. بنده مخلوق، از خود استقلالی ندارد و همه نیازهایش از طریق خالق و پروردگار او برآورده می‌شود. التزام به این جایگاه وجودی و عمل به لوازم آن، تنها راه رسیدن به حیات مطلوب است. از این رو، در نگاه توحیدی، انسان باید همواره بندگی خود را فقط در برابر خدا نشان دهد و برای برطرف کردن نیازهایش نیز تنها از او کمک بگیرد؛ «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»^۱

این‌که انسان نیازهایش را در پیشگاه خداوند متعال مطرح کند و برای رسیدن به خواسته‌هایش از او مدد بجوید، نه تنها نامطلوب نیست، بلکه نشانه خوبی از بندگی انسان در برابر قدرت لایزال الهی است و بیانگر پای‌بندی او به آنچه وجودش اقتضا می‌کند، می‌باشد. در آیات و روایات بسیاری سفارش شده که

۱. فاتحه، آیه ۵.

همواره درخواست‌های خود را در درگاه خدا مطرح کنیم و امورمان را فقط به قضا و قدر الهی وانگذاریم. در روایتی آمده است:

«عَنْ مُيَسَّرِ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ لِي يَا مُيَسَّرُ ادْعُ وَلَا تَقُلْ إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ فُرِعَ مِنْهُ إِنَّ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَنْزِلَةً لَا تُنَالُ إِلَّا بِمَسْأَلَةٍ وَلَوْ أَنَّ عَبْدًا سَدَّ فَاهُ وَ لَمْ يَسْأَلْ لَمْ يُعْطَ شَيْئًا فَسَلْ تُعْطَ يَا مُيَسَّرُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ بَابٍ يُقْرَعُ إِلَّا يُوشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لِصَاحِبِهِ^۱ امام صادق عليه السلام به میسر فرمود: ای میسر! دعا کن و مگو که مسأله تمام شده است. به درستی که نزد خدای بلندمرتبه منزلتی وجود دارد که جز با درخواست کردن، به آن دست پیدا نمی‌شود و اگر بنده‌ای دهانش را ببندد و درخواست نکند، چیزی به او داده نمی‌شود. پس درخواست کن تا به تو عطا شود. ای میسر! همانا دری نیست که کوبیده شود، جز آن که امید است برای کوبنده آن باز شود.»

قرآن کریم ضمن توصیه به دعا، آن را عبادتی می‌داند که سرپیچی از آن، منجر به ورود در آتش جهنم می‌شود؛ «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»^۲ و پروردگارتان فرمود: بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را. همانا کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند، به‌زودی با خواری وارد جهنم خواهند شد.»

در حدیثی، درخواست از خدا، برترین چیز شمرده شده است و کسانی که از دعا و درخواست کردن از پروردگار خویش ابا دارند، مبعوض‌ترین افراد نزد خدا شناخته شده‌اند؛ «عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ أَيُّ الْعِبَادَةِ أَفْضَلُ فَقَالَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَنْ يُسْئَلَ وَيُطْلَبَ مِمَّا عِنْدَهُ وَ

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۴۶۷.

۲. غافر، آیه ۶۰.

مَا أَحَدٌ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِمَّنْ يَسْتَكْبِرُ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْأَلُ مَا عِنْدَهُ؛^۱ راوی می‌گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال کردم: چه عبادتی برتر است؟ ایشان فرمود: هیچ چیز نزد خدای بلندمرتبه برتر از این نیست که از او درخواست شود و هیچ کس نزد خدای بلندمرتبه مبعوض‌تر از کسی که از عبادت خدا استکبار بورزد و از او درخواست نکند، نیست.»

حال که دعا و درخواست حاجت از خدا، تا این اندازه ارزش دارد و نشانه توحیدمحوری انسان به شمار می‌رود، زمان‌ها و مکان‌هایی که احتمال استجاب دعا در آن‌ها بیشتر است، فرصت مناسبی برای پرداختن به این مسأله است و فرد مؤمن زرنگ، از این فرصت‌ها حداکثر استفاده را می‌برد. زمان‌هایی خاص، مانند ماه مبارک رمضان و ماه محرم، و یا مکان‌هایی ویژه، مانند: خانه خدا، مساجد و مکان‌های زیارتی، شرایط مخصوصی را فراهم می‌آورند که دعا در آن‌ها اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. از این رو، از ما خواسته شده است که توجه و آفری به این فرصت‌ها داشته باشیم. بنابراین، ایام عاشورا، از این نظر، فرصت بسیار مناسبی است تا با دل‌های آماده و از طریق توسل به اولیای پاک خدا، نظر لطف و رحمت الهی را به خود جلب کنیم.

۴. حرکت برای خودسازی و یاری دین خدا

نکته‌ای که در این جا قابل توجه است، این است که گاهی تنها به یک بُعد از ابعاد بندگی توجه شده و از جنبه‌های دیگر غفلت می‌شود. هنگامی که چیزی دارای ابعاد مختلف باشد، تحقق یافتن واقعی آن، زمانی است که همه جنبه‌های آن بروز یابند و تحقق برخی ابعاد آن، منجر به تحقق کامل آن چیز نمی‌شود؛ به عنوان مثال، هر گاه بخواهیم در یک روز گرم تابستانی فضای خنکی در منزل داشته

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۴۶۶.

باشیم، باید کولر روشن باشد، درها بسته باشد و وسایل گرم‌کننده‌ای مانند بخاری نیز روشن نباشد. چنانچه هر کدام از این شرایط تحقق نیابد، نمی‌توانیم به مقصودمان که ایجاد فضایی خنک است، دست یابیم. بندگی خدا نیز دارای ابعاد مختلفی است و توجه به برخی جنبه‌ها و غفلت از جنبه‌های دیگر، موجب می‌شود آن گونه که شاید و باید، نتوانیم به مقام بندگی خدا برسیم.

یکی از تقدیرات الهی، این است که خداوند متعال سعادت و خوشبختی انسان را به عمل و تلاش او وانهاده است؛ «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»^۱ پس، وظیفه ما فقط دعا و درخواست از خدا نیست؛ بلکه وظیفه داریم در کنار این درخواست، برای رسیدن به اهدافمان نهایت تلاش خود را انجام دهیم.

گویند درویشی با برداشت نادرستی که از صفت روزی‌رسانی و رازقیت حق پیدا کرده بود، تصمیم گرفت در خرابه‌ای فقط مشغول دعا و مناجات با خدا شود و از سوی خودش هیچ تلاشی برای برطرف کردن نیازهایش انجام ندهد؛ با این امید که خدای روزی‌رسان، همه نیازهایش را برطرف خواهد کرد. او در خرابه مدت بسیاری به دعا مشغول شد و در حالی که گرسنگی بر او فشار آورده بود، صدای کاروانی را شنید که در کنار خرابه توقف کرد. درویش خوشحال از این‌که خدا روزیش را از طریق کاروان به او خواهد رساند، هم‌چنان با شکم گرسنه به دعای خود ادامه داد و منتظر کمک کاروان ماند؛ اما بر خلاف انتظار درویش، افراد کاروان متوجه حضور درویش در خرابه نشدند و قصد حرکت داشتند. درویش از ترس این‌که کاروان برود و او از گرسنگی تلف شود، سرفه‌هایی کرد تا کاروان متوجه حضور او گردد. افراد کاروان پس از شنیدن سرفه‌های درویش و مشاهده حالش، به او غذا دادند و از حال و نیت درویش با خبر شدند. درویش که هم‌چنان بر تصور خویش باقی بود، خیال می‌کرد خداوند صرفاً به سبب دعای او،

۱. نجم، آیه ۳۲.

برایش روزی رسانده است. یکی از افراد خردمند کاروان که متوجه اشتباه درویش شده بود، به او گفت: همین سرفه‌کردن‌های تو باعث شد که متوجه حضورت شویم. اگر این عمل و حرکت از سوی تو انجام نمی‌گرفت، از این جا کوچ کرده بودیم و به تو غذایی نمی‌رساندیم.

برخی افراد، هنگام حضور در مکان‌های مقدس و از جمله هنگام زیارت قبور معصومین علیهم‌السلام، نگاهی یک‌طرفه دارند و تنها از خدا و ائمه علیهم‌السلام درخواست لطف و عنایت دارند؛ ولی به وظایفی که خود در قبال آن‌ها دارند، فکر نمی‌کنند. البته نشانه روحیه توحیدی، آن است که برای رسیدن به خواسته‌های خود به خدا روی آوریم و اولیای الهی را واسطه قرار دهیم؛ اما چنان‌که گفتیم، این تنها یک جنبه از ابعاد بندگی است و بعد مهم دیگر، توجه به اعمالی است که خودمان باید انجام دهیم. اگر از چنین بُعدی غافل بمانیم، نمی‌توانیم خویشتن را بنده واقعی خدا بدانیم. در آیات قرآن کریم، مجاهدت و تلاش در راه خدا، شرط ورود به بهشت دانسته شده است؛ «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمَ الصَّابِرِينَ»^۱

برخی تصور می‌کنند، رابطه ما با پیامبر و ائمه علیهم‌السلام، یک‌طرفه است و تنها آن‌ها هستند که باید به نیازهای ما توجه کرده و ما را یاری کنند؛ اما تقدیر الهی این گونه رقم خورده است که هر انسانی باید وظایفش را برای دفاع از دین خدا انجام دهد و از این رو، ما نیز وظیفه داریم به یاری دین خدا و اولیای او پردازیم.

البته خداوند هیچ نیازی به کمک ما ندارد و می‌تواند به راحتی دین خودش را حفظ کند؛ با این حال، این افتخاری است که به هر انسانی عطا شده تا در تحقق برنامه الهی و پیش‌رفت دین نقش داشته باشد. در قرآن کریم شرط یاری شدن

۱. آل عمران، آیه ۱۴۲.

بندگان از جانب خداوند، این دانسته شده که آن‌ها نیز دین خدا را یاری کنند؛ «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۱ پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام نیز نیازی به کمک ما ندارند؛ اما این از مقدرات الهی و در واقع، افتخاری است که نصیب انسان شده که به کمک آن بزرگواران بشتابد. در روز عاشورا، فرشتگان و جنیان برای یاری امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام اعلام آمادگی کردند. حضرت از پذیرش کمک آن‌ها خودداری کرد؛ ولی کمک انسان‌های دیگر را پذیرفت و حتی هنگامی که همه یاران او به شهادت رسیده بودند، آن‌ها را صدا می‌زد و از آنان یاری می‌طلبید و ندای «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي» سر می‌داد. گاهی ما از این بُعد مهم غافل می‌مانیم و تنها انتظار داریم که ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام به ما کمک کنند و حال آن‌که قبل از آن باید به فکر کمک کردن و یاری رساندن به آن‌ها باشیم و به این افتخاری که خدا به انسان داده، جامه عمل بپوشیم. در دعای عهد، از خدا می‌خواهیم که ما را از کسانی قرار دهد که برای برآورده ساختن نیازهای آن حضرت شتاب می‌کنند: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُمْتَثِلِينَ لِأَمْرِهِ وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ»^۲ خدایا! مرا از یاران و خدمت‌گزاران و دفاع‌کنندگان از او و شتابندگان به سوی او در برآوردن خواسته‌هایش و انجام اوامرش و مدافعان از او و پیش‌گیرندگان به سوی خواسته‌اش و شهادت‌یافتگان پیش رویش قرار بده.»

۵. عاشورا، فرصت ناب خودسازی

ایام عاشورا، فرصت بسیار مساعدی را برای ما فراهم می‌کند که خود را برای

۱. محمد، آیه ۷.

۲. مجلسی، محمدباقر، زاد المعاد، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۳ق، ص ۵۴۳.

ساختن اخلاقی و معنوی، یاری دین خدا و عمل به دستورات الهی آماده سازیم. خیلی از اوقات، دلیل عدم موفقیت ما در عمل، عدم علم و معرفت نیست و با این‌که می‌دانیم کاری خوب است، آن را انجام نمی‌دهیم و یا می‌دانیم کاری بد است، اما مرتکب آن می‌شویم. مشکلی که در این‌جا وجود دارد، مشکل گرایشی و انگیزشی است؛ نه مشکل معرفتی. هنگامی که امیال دنیوی در ما شدید باشد، ممکن است به انجام اعمالی روی آوریم که منافع دنیوی ما را تأمین می‌کنند و حتی اگر بدانیم عقوبت اخروی دارند، از آن‌ها پرهیز نمی‌کنیم. برای انجام کارهای خوب و ترک اعمال بد، هم داشتن علم و معرفت لازم است و هم باید انگیزه و اراده کافی برای روی آوردن به خوبی‌ها و دور شدن از بدی‌ها داشته باشیم؛ یعنی نه تنها به لحاظ ذهنی قانع شده باشیم که فلان کار خوب است یا به سود ما است، بلکه دل ما هم باید آماده عمل کردن و مشتاق انجام آن باشد.

برخی افراد خیال می‌کنند که عدم توفیق آن‌ها در عمل، تنها به جهت آن است که راه عمل کردن را نمی‌دانند. از این رو، همواره به دنبال شنیدن موعظه از بزرگان هستند؛ غافل از آن‌که بسیاری از چیزهایی را هم که می‌دانند، نادیده می‌گیرند و به آن‌ها عمل نمی‌کنند. در روایتی آمده است: «اگر کسی به چیزهایی که می‌داند عمل کند، از چیزهایی که نمی‌داند، کفایت می‌شود.»^۱ از این روایت می‌توان چنین استفاده کرد که انسانی که به دانسته‌هایش عمل کند، اهل نجات خواهد بود و مسیرش برای رسیدن به سعادت باز می‌شود. مرحوم آیت‌الله العظمی بهجت رحمته‌الله بارها تأکید فرموده بودند که به دانسته‌های خودمان عمل کنیم. ایشان در یکی از سخنرانی‌هایش می‌فرماید: «ای کسی که عمل می‌کنی به معلومات، در فکر چیز دیگر نشو، بقیه امور با آن‌ها است. همان‌هایی که همین مقدار را به شما اعلام

۱. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ق، ص ۱۳۹:

«عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ عَمِلَ بِمَا عِلِمَ كَفِيَ مَا لَا يَعْلَمُ.»

کرده‌اند، زیادی بر این مقدار را هم، آن‌ها اعلام می‌کنند. تو دیگر در فکر نباش؛ یعنی غصه‌اش را نخور.»^۱ ایشان گاهی به کسانی که از او طلب موعظه و نصیحت می‌کردند، اعتراض می‌کرد و از این‌که عده‌ای به موعظه‌هایی که قبلاً شنیده‌اند، عمل نکرده، باز درخواست موعظه می‌کنند، ناراحت می‌شد. وی در یکی از دستورعمل‌های عرفانی‌شان فرموده: «آنچه می‌دانید، عمل کنید و در آنچه نمی‌دانید، احتیاط کنید تا روشن شود؛ و اگر روشن نشد، بدانید که بعضی معلومات را زیر پا گذاشته‌اید؛ طلب موعظه از غیر عامل، محل اعتراض است و قطعاً موعظی را شنیده‌اید و می‌دانید، عمل نکردید؛ و گرنه روشن بودید.»^۲ بر این اساس، اگر در مسأله‌ای روشن نبودیم و تردید داشتیم، معلوم می‌شود از برخی چیزهایی که از قبل برای‌مان روشن بوده و به آن‌ها علم داشته‌ایم، غفلت ورزیده‌ایم و به آن‌ها عمل نکرده‌ایم. چنانچه به دانسته‌های‌مان عمل کرده بودیم، اکنون در این مسأله جدید هم تردید و دودلی نداشتیم و حکمش برای‌مان روشن بود.

اکنون، سؤال این است که چه کنیم تا گرایش به عمل در ما تقویت شود و دل‌های‌مان برای انجام خوبی‌ها و ترک بدی‌ها آماده گردد؟ در این جا است که می‌توانیم به دنبال فرصت‌ها باشیم و از موقعیت‌هایی که موجب تقویت گرایش‌های معنوی و انگیزه‌های الهی و آخرتی می‌شوند، بیشترین استفاده را ببریم. یکی از ویژگی‌های مهم ایام عاشورا، این است که قدرت شگفت‌آوری برای آماده‌سازی دل‌های ما دارد و از این رو، فرصت ناب و ارزش‌مندی را برای افتادن در مسیر عمل ایجاد می‌کند و تنها زیرکی افراد مؤمن را می‌طلبد که از این فرصت بهترین استفاده را ببرند. یاد امام حسین علیه السلام و حماسه عاشورا، در همه

۱. پایگاه اینترنتی تبیان، نشانی: <http://www.tebyan.net>.

۲. پایگاه اینترنتی مرکز تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله بهجت رحمته الله علیه، نشانی: <http://www.bahjat.org>.

زمان‌ها شورآفرین و احساس‌برانگیز است؛ اما ایام عاشورا اوج احساسات معنوی و دینی ما را رقم می‌زند و شور و شوق معنوی عجیبی در دل پیروان آن حضرت ایجاد می‌کند؛ به گونه‌ای که آرزوی فداکاری و قرار گرفتن در ردیف یاران ابی‌عبدالله علیه‌السلام، در انسان بسیار تقویت می‌شود و این، به معنای آمادگی ما برای عمل است.

البته عاشورا هم جنبه معرفتی قوی دارد و هم جنبه انگیزشی بالا. از نظر معرفتی، تأمل در حوادث عاشورا و دقت در گفتارها و رفتارهای شهدای کربلا و دشمنان آنها، حقایق بسیاری را به ما می‌آموزد و علم و بصیرت ما را افزایش می‌دهد. بُعد انگیزشی ایام عاشورا نیز خیلی قوی و اثرگذار است و کسانی که آرزوی خوب‌شدن را دارند، ولی در عمل چندان موفق نبوده‌اند، می‌توانند به‌خوبی از این فرصت بهره‌برند و راه مطمئنی را برای عمل به دانسته‌های خود بگشایند.

شاید این سؤال پیش آید که در این زمان چگونه می‌توانیم حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام را یاری کنیم و حال آن‌که زمان زیادی از شهادت آن حضرت گذشته و دیگر زمینه‌ای برای یاری ایشان وجود ندارد؟ در پاسخ به این پرسش، باید در هدف قیام امام حسین علیه‌السلام تأمل کنیم و ببینیم آیا می‌توانیم در این زمان نقشی در تحقق هدف آن حضرت داشته باشیم یا خیر؟ اگر هدف امام علیه‌السلام فقط رسیدن به حکومت باشد، آن‌گاه با شهادت ایشان، دیگر زمینه‌ای برای حکومت وجود ندارد و از این رو، یاری ما هم برای رسیدن آن حضرت به حکومت، بی‌معنا است؛ اما خود امام علیه‌السلام در سخنان‌شان هدف خویش را از قیام روشن ساخته‌اند و از جمله، این کلام گهربار که در وصیت به محمد بن حنفیه بیان می‌فرمایند، مشهور است: «وَأِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي»^۱

هدف آن حضرت، چیزی جز قرار دادن جامعه در مسیر عبودیت و بندگی خدا

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، پیشین، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

نبود و اکنون با توجه به این هدف روشن می‌شود که هر کس قدمی برای اصلاح خود و جامعه خویش بردارد، در واقع، به یاری آن حضرت همت گماشته و آن امام را در تحقق هدف والای‌شان کمک کرده است. در حقیقت، هدف آن امام بزرگوار علیه السلام منافع شخصی خودشان نبوده است؛ بلکه هدف ایشان، رساندن امت پیامبر به سعادت راستین بوده است. بنابراین، هر کس در مسیر سعادت و خوشبختی واقعی خود و جامعه قدم بردارد و برای خودسازی خویش عمل کند، به تحقق هدف آن امام شهید کمک رسانده است. به گفته مرحوم حاج اسماعیل دولابی: «حضرت سیدالشهداء به مردم احتیاج نداشت؛ اما این که می‌فرمود: مرا یاری کنید، یعنی مسلک مرا یاری کنید، مقصد مرا یاری کنید، همکار و همراه من باشید. وقتی نماز می‌خوانید یا کار خوبی انجام می‌دهید، به انبیا و اولیا کمک می‌کنید.»^۱

البته انتظار نمی‌رود که بتوانیم یک‌شبه راه صدساله را بپیماییم و به یکباره عوض شویم؛ بلکه لازم است نفس سرکش خود را به تدریج و با برنامه‌ای مناسب، آرام کنیم. همین که انسان در مسیر خوبی‌ها قدم بردارد، هرچند قدم برداشتن‌های او کوچک باشد، ارزش و تأثیر فراوانی دارد.

۶. عهد بستن با سید الشهداء علیه السلام

یک راه مناسب برای این که بتوانیم در مسیر ساختن خود و جامعه خویش حرکت کنیم و قدم مطمئنی برداریم، این است که در این ایام و به‌ویژه در شب عاشورا با امام حسین علیه السلام عهد و پیمان ببندیم. شب عاشورا، شبی است که یاران واقعی اباعبدالله با مولای‌شان پیمان یاری بستند و باعث آرامش دل زینب علیها السلام و خاندان آن حضرت شدند. بنابراین، چه خوب است که ما نیز در این شب حماسی،

۱. پایگاه اینترنتی تبیان، نشانی: <http://anjoman.tebyan.net>

فرصت را از دست ندهیم و با یاران سرسپرده حسین علیه السلام همراه گردیم و با مولای خود هم‌پیمان شویم.

البته در این‌که چه پیمانی با امام علیه السلام ببندیم، باید به‌خوبی تأمل کنیم؛ چرا که باید عهدی با امام ببندیم که توان جامه عمل پوشاندن به آن را داشته باشیم؛ تا مبدا به عهدشکنی با امام دچار شویم و در صف کوفیان قرار گیریم. مطابق ضرب المثل «سنگ بزرگ، نشانه نزدن است»، نباید عهدی سنگین و بزرگ ببندیم که نتوانیم به آن پای‌بند باشیم. در این زمینه، راه‌کار مناسب آن است که هر کس در حال خود تأمل کند و با توجه به مشکلات اخلاقی و شرعی که در خود مشاهده می‌کند، به فراخور حال خویش برای اصلاح گوشه‌ای هرچند کوچک از زندگی‌اش، با امام عهد ببندد؛ برای مثال، اگر کسی در انجام نمازهای واجب کوتاهی می‌کند، می‌تواند با امام عهد ببندد که دست کم در انجام برخی از نمازهای کوتاهی نکند؛ مثلاً نماز مغرب و عشاء را به هیچ وجه ترک نکند. یا کسی که نمازهای واجب را هیچ‌گاه ترک نمی‌کند، اما در خواندن نماز اول وقت کوتاهی می‌کند، می‌تواند با امام عهد ببندد که دست کم برخی نمازهایش، مثلاً نماز ظهرش را سر وقت بخواند. همچنین اگر کسی خودش را مبتلا به معصیتی می‌یابد، می‌تواند با امام عهد ببندد که آن معصیت را دست کم در برخی ساعات شبانه‌روز، مثلاً در بعد از ظهرها انجام ندهد.

البته معنای این سخن، آن نیست کسی که چنین عهدی را می‌بندد، در بقیه مسائل بی‌تفاوت باشد و تنها به انجام تعهدش فکر کند. تصمیم ما باید این باشد که برای اصلاح خود در همه جهات تلاش کنیم؛ اما از آن‌جا که تحول یک‌باره انسان شاید مشکل باشد و از طرفی دیگر، عهدشکنی با امام علیه السلام پسندیده نیست، خوب است در مقام عهد، معقول عمل کنیم و عهدی ببندیم که بتوانیم با یاری گرفتن از خدا و توسل به خود امام حسین علیه السلام و دیگر اولیای خدا، به آن خویشتن پای‌بند باشیم؛ به‌خصوص از آن‌جا که این قدم، گام آغازین خودسازی است، لازم است

با احتیاط هرچه بیشتر عمل کنیم تا بتوانیم در عاشورای سال آینده، با سرافرازی، عهدی جدید با امام خود ببندیم.

هرگز نباید فکر کنیم که عهد کوچک بستن، دردی را دوا نمی‌کند. مطابق روایات متعددی، آنچه بسیار اهمیت دارد، تداوم عمل است. اگر یک عمل، هرچند کوچک، دوام داشته باشد، تأثیر بسیاری خواهد داشت. در حدیثی امام صادق علیه السلام فرموده: «أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا دَاوَمَ عَلَيْهِ الْعَبْدُ وَإِنْ قَلَّ؛^۱ محبوب‌ترین اعمال نزد خدای بلندمرتبه، عملی است که بنده بر آن مداومت داشته باشد؛ هرچند آن عمل، کوچک و اندک باشد.»

همچنین آن بزرگوار کمترین حد تداوم یک عمل را یک سال دانسته و می‌فرماید: «إِذَا كَانَ الرَّجُلُ عَلَى عَمَلٍ فَلْيَدُمُ عَلَيْهِ سَنَةً ثُمَّ يَتَحَوَّلْ عَنْهُ إِنْ شَاءَ إِلَى غَيْرِهِ وَذَلِكَ أَنْ لَيْلَةَ الْقَدْرِ يَكُونُ فِيهَا فِي غَامِهِ ذَلِكَ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ؛^۲ هرگاه کسی به عملی روی آورد، پس لازم است تا یک سال بر آن عمل باقی بماند و پس از آن، اگر خواست می‌تواند به عملی دیگر روی آورد.»

بنابراین، چه بسیار به‌جا است که هر فردی در شب عاشورا با امام شهید خود بر عملی تا یک سال پیمان ببندد و بر آن عمل مداومت نماید. نباید هرگز به کوچکی کاری که بر سر آن پیمان می‌بندیم، توجه کنیم؛ بلکه اگر بتوانیم بر پیمان خود استوار بمانیم، ارزش والایی خواهد داشت. همچنین نباید تنها به عمل خودمان نگاه کنیم؛ بلکه اگر هر فردی در شب عاشورا عهدی با امام حسین علیه السلام ببندد، آن‌گاه در جامعه ما در طول یک سال میلیون‌ها گناه، کم می‌شود و میلیون‌ها کار خوب، افزایش می‌یابد. در این صورت، مطابق وعده‌های تخلف‌ناپذیر الهی، رحمت و لطف حق بر چنین جامعه‌ای که همه در مسیر بندگی خدا عهدی

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، پیشین، ج ۲، ص ۸۲.

۲. همان.

بسته‌اند، سرازیر خواهد شد. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «... إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...»؛^۱ خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد، تا این‌که آنان خود، حال‌شان را تغییر دهند.»

و یا در سوره‌ای دیگر می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛^۲ و اگر اهل شهرها ایمان آورده و تقوا داشتند، برکاتی از آسمان و زمین بر آن‌ها می‌گشودیم؛ ولی تکذیب کردند. پس به آنچه انجام دادند، آنان را مؤاخذه کردیم.»

بسیاری از اهل معرفت سفارش می‌کرده‌اند که اگر بنخواهیم در مسیر سعادت و معرفت خدا قدم برداریم، باید با امام حسین علیه السلام رابطه برقرار کنیم؛ چرا که مسیر سلوک از طریق آن حضرت بسیار آسان می‌شود. امام حسین علیه السلام، کشتی نجاتی است که به سرعت حرکت می‌کند. ما در واقع، با عهد و پیمانی که با امام حسین علیه السلام می‌بندیم، خویش را برای یاری فرزند عزیزشان، حضرت صاحب الزمان علیه السلام آماده می‌کنیم و امیدوار می‌شویم که از منتظران و یاوران ایشان قرار گیریم. بنابراین، چه به‌جا است در شب عاشورا که شب عهد و پیمان یاران سید الشهداء علیه السلام است، هر کس به فراخور حال خود، عهدی با امام خویش ببندد و تا عاشورای سال آینده، تمام تلاشش را انجام دهد که بر عهد و پیمان خویش استوار بماند. با این کار، همه سال را با یاد امام حسین علیه السلام سپری می‌کنیم و با ارتباط با آن حضرت، زندگی‌مان را رنگ خدایی می‌بخشیم.

۱. رعد، آیه ۱۱.

۲. اعراف، آیه ۹۶.